

حواستان باشد؛ ... شما به نان شب خود محتاج هستید!

انسانها و جوامع بشری دو دسته هستند: دسته اول کسانی هستند که در زندگیشان، آرمانهایشان از هر چیزی برایشان مهمتر هستند حتی اگر به قیمت گرسنه ماندن شکمشان باشد. دسته دوم، کسانی هستند که اولویت اول در زندگیشان، سیر کردن شکمشان است و اگر فرصتی ماند، به چیزهای دیگری هم فکر می‌کنند. دسته دوم را ملتهایی تشکیل می‌دهند که اصولا در دنیا هیچ حرفی برای گفتن ندارند و همواره در طول تاریخ به دنبال همان سیر کردن شکمشان بوده‌اند که البته هیچوقت به همان هدف اندک هم نرسیده‌اند. دسته اول را ملتهایی اقتدارگرا و آرمان طلب تشکیل می‌دهند که به دنبال تسلط بر دسته دوم بوده و نمادهایشان و الگو بودنشان در دنیا خیلی برایشان مهم است. اصطلاحا "نمادگرا" هستند.

چرخاندن نگاه ملتهای ضعیف به سمت نیازهای روزمره و پیش پا افتاده، یکی از ترفندهای "عقب مانده نگه داشتن" ملتهای ضعیف و کوتاه بین است. دسته اول اغلب سعی می‌کنند به دسته دوم تفهیم کنند که "حواستان باشد؛ شما مردمی بدبخت و گرسنه هستید پس بهتر است بجای بلندپروازی و آرمان گرایی، به فکر نان شب خود باشید!!". همین ترفند ساده، قرن‌هاست که بر دنیا حاکم بوده و هست و خواهد بود و در واقع، مرز دسته اول و دوم هم همین است.

مثلا اگر یک کشور اصطلاحا "جهان سومی" بخواید به سمت "تحقیقات فضایی" حرکت کند، تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا بسیج می‌شوند تا به آن کشور القا کنند که "بهتر است بجای فضانوردی به فکر بهبود اقتصاد مردم بدبخت خود باشی". از آنجا که رفاه و بهبود اقتصادی هیچ حد و مرزی و تعریف مشخصی ندارد لذا این کشورها همواره در توهم "بدبخت بودن زندگی می‌کنند و هرگز به خود اجازه "بلند پروازی" که هیچ، اصلا به خود اجازه "بلند شدن" هم نمی‌دهند. مصیبت اینجاست که این حيله و تفکر غلط اتفاقا در کشورهای دسته دوم و جهان سومی توسط به اصطلاح "روشنفکران!" خودشان هم تبلیغ می‌شود.

به یک نمونه مثال دقت کنید و بررسی کنید: هر وقت که هندوستان یک ماهواره فضایی پرتاب می‌کند یا یک دستاورد اتمی را رونمایی می‌کند، اغلب شبکه‌های معروف غربی مانند BBC و CNN به فاصله چند ساعت یا چند روز، گزارشهای متعددی را تهیه و ارائه می‌کنند که "هندوستان با کمبود توالت عمومی مواجه است!" یا "فلان درصد مردم هند کنار خیابان به دنیا می‌آیند!" و بعضا در سطرهای پایین همان گزارش می‌نویسند: "ضمنا این هفته هند یک ماهواره به فضا پرتاب کرد در حالیکه ...!". هدف آنها از اینطور اطلاع رسانی اولاً تحقیر آن ملت است دوما جلوگیری از الگو شدن آن ملت برای سایر ملتها. آنها هراس دارند که بقیه ملتهای دنیا هم مسیر چین و هند و برزیل را بروند، آنوقت آنها با توجه به جمعیت و وسعت و منابع خود براحتی در جایگاه ابرقدرتی خواهند نشست و اقتدار مطلق کشورهای غربی به چالش کشیده خواهد شد.

واضح است که در این بین، اغلب کشورهای ضعیف، مغلوب این هجمه شده و ترجیح می‌دهند بجای چالش و پیشرفت به دنبال یک لقمه نان و چند وجب جای گرم برای خوابیدن باشند. نمونه واضح آن، همین کشورهای غربی هستند که علی‌رغم داشتن جمعیت، وسعت و ثروت زیاد، هیچ جایگاهی در علم و پیشرفت و اقتدار در دنیا ندارند. جالب است که اتفاقا فقر و بدبختی در این کشورها بیداد می‌کند یعنی آخرش به همان یک لقمه نان هم نمی‌رسند!! همیشه پیشرفت کردن، چالش آفرین و دردسر ساز است که البته هیچ

کشور ضعیفی حاضر به پرداخت هزینه‌های آن نیست. در یکی از سایتها، نقل قول یکی از اندیشمندان مصری را خواندم که گفته بود: "ما به اندازه ایران هم نبودیم! ... ما امروز برای تولید گندم و مایحتاج غذایی ابتدایی مردم خود هم مشکل داریم آنوقت ایران علی‌رغم چند دهه چالش با آمریکا، امروز ماهواره به فضا پرتاب می‌کند".

وقتی به تاریخچه رشد و پیشرفت کشورهای غربی نگاه می‌کنید، می‌بینید که در بدترین شرایط قحطی، اختلافات داخلی و جنگ در اروپا، تحقیقات علمی و صنعتی آنها هرگز تعطیل نشدند بلکه پر رونق‌تر هم شدند. در هر شرایطی و هر وضعیتی، با هر گرایش سیاسی و قومی، دانشمندان و صنعتگران خود را حفظ کردند و از دستاوردهایشان حمایت کردند. مثلا همین امروز، دولت آمریکا با خطر ورشکستگی و بدهی غیرقابل تصور ۱۸۰۰۰ میلیارد دلاری!!! مواجه است که در تاریخ دنیا بی‌سابقه است ولی به هیچ وجه حاضر به کوتاه آمدن از برنامه‌های فضایی بلند پروازانه و تحقیقات دفاعی خود نیست.

در کشورهای دسته اول، درصد بودجه تحقیقات و پژوهش معمولا به بالای ۲ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد درحالیکه در کشورهای دسته دوم، کمتر از ۱/۰ درصد و در حد صفر می‌باشد. درصد بودجه‌های عمرانی هم در این دو دسته قابل مقایسه نیست.

خوشبختانه در کشور ما، بخصوص بعد از انقلاب، این ترندها "بخ نما" شده و همین حد از رفاه نسبی و پیشرفت، حاصل "فروختن آرمانها و آینده فرزندانمان به نیازهای زودگذر معیشتی امروزمان است" و البته در این مسیر، دست اندازها و موانعی هم ظهور می‌کنند که برای اهداف حقیر خود و فریفتن عوام، همان ساز را کوک می‌کنند که: "حواسمان باشد... ما به نان شب خود محتاج هستیم!". اینها وجودی از خود ندارند و خون دل زحمتکشان و صنعتگران و دانشمندان کشور را به ثمن بخشی می‌فروشند و تنها هنرشان آتش انداختن بر خرمن و اندوخته گذشتگان است و نشان دادن سراب بجای اقیانوس! بادها این ابرهای تیره را از مقابل خورشید کنار خواهند زد و دوباره راه همان است که بود. یاعلی.